

<div><div> </div><div><div>یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴</div><div>وطن‌امروز شماره ۲۲۸۴</div></div></div>	<div><div> </div><div><div>۲</div></div></div>
<p> [سیاسی] </p> <div></div> <div><div> </div><div><div>خبر</div></div></div>	



گروه سیاسی؛ رئیس‌جمهور دبیروز در حکمی شهرام دبیری، معاون پارلمانی خود را برکنار کرد. مسعود پزشکیان در این حکم توضیح داده است که سفر پرهزینه معاون پارلمانی دولت به قطب جنوب، حتی اگر با هزینه شخصی هم انجام شده باشد، با معیار ساده‌زیستی مسؤولان سازگار نیست و بر همین اساس وی را از معاونت پارلمانی عزل کرد.

متن حکم رئیس‌جمهور به این شرح است:

جناب آقای دکتر دبیری

در این ایام پس از بررسی خیر، قطعی شد در ایام روزوز در سفر تفریحی قطب جنوب بودید. در دولتی که متفخر به اقتدا به مولای متقیان است و در شرایطی که هنوز در کشورمان فشارهای اقتصادی بر مردم زیاد و محرومان پرشمارند، سفر پرهزینه تفریحی مسؤولان رسمی، حتی با هزینه‌های شخصی، قابل دفاع و توجیه‌پذیری نبوده و با معیار ساده‌زیستی مسؤولان سازگار نیست.

دوستی دبرین و همکاری و خدمات ارزشمند شما در معاونت پارلمانی دولت چهاردهم، مانع آن نیست که پایبندی به صداقت، عدالت و وعده‌هایی که به مردم دادیم، مقدم داشته شود. بنابراین از ادامه همکاری با شما در دولت چهاردهم معذوریم.

مسعود پزشکیان

رئیس‌جمهور اسلامی ایران

■ **یک سفر و یک دروغ**

۳ فروردین اسمال عکسی از شهرام دبیری و همسرش منتشر شد که روی آن نوشته شده بود «بیش به سوی قطب جنوب». در واقع این عکس نشان می‌داد معاون پارلمانی رئیس‌جمهور به همراه یک زن، در کنار یک کشتی حضور دارند که با توجه به متن نوشته‌شده روی آن، احتمال داده می‌شد این کشتی و سرنشینان آن عازم یک سفر تفریحی به قطب جنوب هستند. پیگیری‌های اولیه نشان داد این عکس نخستین‌بار در صفحه اینستاگرام همسر شهرام دبیری منتشر شده است. همین موضوع اصالت عکس و همین‌طور مقصد سفر را تأیید کرد. با این حال اما روز بعد یعنی ۵ فروردین، روابط عمومی معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور به این ماجرا واکنش نشان داد و آن را تکذیب کرد. روابط عمومی معاونت پارلمانی ریاست‌جمهوری اعلام کرد: در روزهای اخیر خبرسازی برخی کانال‌های خبری در یکی از پیام‌رسان‌ها، مستمسکی برای برخی تحلیل‌های نادرست شده است. بر این اساس شایعه مطرح شده مبنی بر سفر معاون پارلمانی رئیس‌جمهور به قطب جنوب صحت ندارد و تصاویر منتشر شده قدیمی بوده است.

به هر حال با وجود ادعای روابط عمومی، در متن نامه برکناری شهرام دبیری، رئیس‌جمهور ماجرای سفر معاون پارلمانی خود به قطب جنوب را تأیید کرد؛ به عبارتی این یعنی دروغ بودن ادعای روابط عمومی معاونت پارلمانی!

بنابراین جدا از اینکه سفر معاون پارلمانی رئیس‌جمهور هم خلاف عرف مسئولیت‌پذیری در جمهوری اسلامی بود، هم نوعی بی‌توجهی نسبت به وضعیت اقتصاد کشور بوده و هم اینکه با مشی و مرام اعلامی رئیس‌جمهور مبنی بر ساده‌زیستی مدیران دولت سازگار نیست، متأسفانه عوامل مرتبط برای انکار آن مرتکب دروغ‌گویی هم شدند.

به هر حال اگرچه اقدام معاون پارلمانی رئیس‌جمهور و حاشیه‌سازی او برای دولت در روزهای نخستین سال، نوعی بی‌تفاوتی نسبت به مصالح دولت و شخص مسعود پزشکیان بود اما واکنش رئیس‌جمهور به این اقدام و عزل وی، اقدامی درست و لازم بود.

البته با توجه به حاشیه‌سازی شکل گرفته توسط شهرام دبیری، باید یک تذکر به آقای رئیس‌جمهور هم داده شود. ریاست‌جمهوری و مناصب عالی دولتی، جای رفیق‌بازی و گرد هم آوردن دوستان و رفقای قدیم نیست، چرا که ممکن است بعضاً افرادی در مناصب مهم گمارده شوند که فهم و درک درستی از آن منصب و موقعیت نداشته باشند و با اقداماتی مانند آنچه شهرام دبیری انجام داد، برای دولت و شخص رئیس‌جمهور حاشیه‌سازی و تولید هزینه کنند.



«وطن امروز» وضعیت اپوزیسیون ضدایرانی را ۳ سال بعد از پروژه ۱۴۰۱ بررسی می‌کند

کسادِ کاسبی براندازی

اسناد منتشرشده توسط پروپابلیکا در فوریه ۲۰۲۵

نشان می‌دهد مرکزی مثل «عبدالرحمن برومند» تا ۲۰۲۳ بیش از ۱۶ میلیون دلار دریافت کرده بود. حالا شهرسازانه‌هایی چون اینترنشنال و سازمان‌های تجزیه‌طلب و اپوزیسیونی که با عنوان فعالان حقوق بشر، براندازی را به پروژه درآمدزایی تبدیل کرده بودند. با بحران مالی مواجه شده‌اند. قطع بودجه‌ها، آتش اختلافات داخلی اپوزیسیون را شعله‌ورتر کرده است. این تقابل‌ها که ریشه در رقابت بر سر قدرت و منابع دارد، حالا به افشاگری‌ها و حملات علنی تبدیل شده است.

■ **پروژه براندازی برای هر مؤسسه ضدایرانی ۲ میلیون دلار در سال درآمد داشته است**

فردی به نام غزال مدیران که در دعوی شکل‌گرفته بین اپوزیسیون اقدام به افشای فاند‌های گرفته شده توسط برخی چهره‌های اپوزیسیون می‌کند، اخیراً در یک گفت‌وگو جزئیات جدیدی از این فاند‌ها را منتشر کرده است. مطابق آنچه این چهره نزدیک به سلطنت‌طلبان منتشر کرده است در گزارش‌های مالی موسسات دریافت‌کننده فاند آمریکایی تا ۲۰۱۴ به نام «کمک‌های ایران» شناخته می‌شد و سپس به «کمک‌های خاور نزدیک» تغییر نام داد تا هویت دریافت‌کنندگان مخفی بماند.

در سامانه فدرال مشخص است که سالانه ۵۵ میلیون دلار (۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴) به پروژه‌های دموکراسی و حقوق بشر ایران اختصاص یافته اما دستاوردها گزارش نشده است. این عدم شفافیت، با بهانه‌های امنیتی انجام شده و فساد و شکل‌گیری شبکه‌های مافیایی میان فاندگیران و دلال‌ها منجر شده است. این گروه‌ها، با وجود بودجه‌های کلان (هر موسسه حدود ۲ میلیون دلار در سال)، دستاورد ملموسی برای براندازی در ایران نداشته‌اند تا به این ترتیب وزیر خارجه آمریکا نیز به آن معترض و مدعی شود اپوزیسیون



ضدایرانی از هر یک دلاری که دریافت کرده‌اند ۸۸ سنت را خودشان مصرف کرده‌اند.

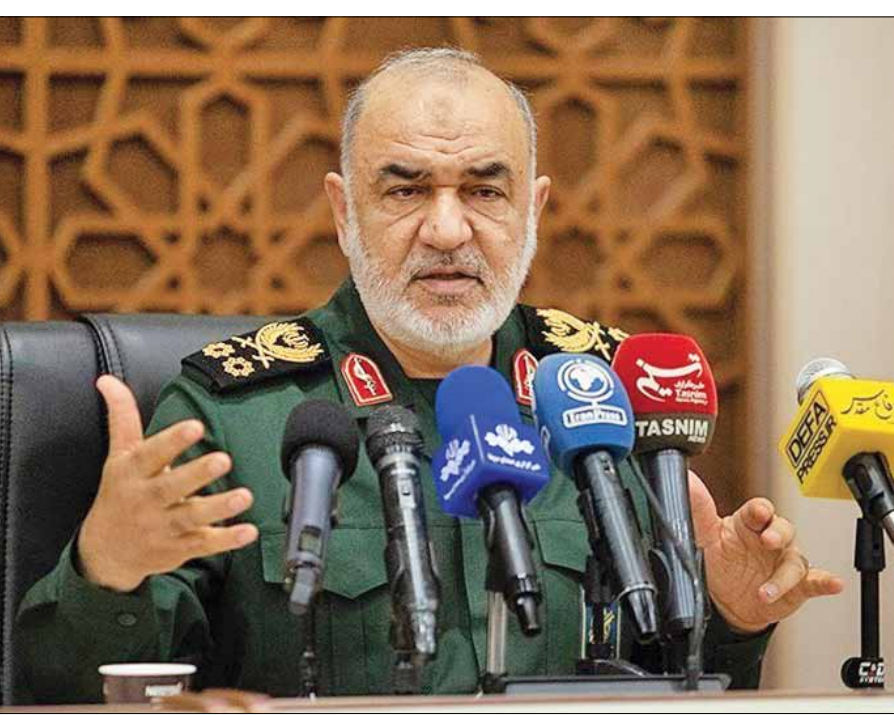
■ **ترامپ پشت دست اپوزیسیون بازی نکرد**

ترامپست‌های ایرانی که بعد از پیروزی او و حضورش در کاخ سفید، کف و سوت می‌زدند و با شجاعت از حمله آمریکا به ایران صحبت می‌کردند، از ۲۶ ژانویه که فرمان تعلیق کمک‌های خارجی صادر شده، از اقدام جدید آمریکا «سورپرایز» شدند و این اقدام را هدیه ترامپ به جمهوری اسلامی خواندند. رسانه‌های فارسی‌زبان اما بعد از صدور این فرمان، ژست رسانه‌ای نگرانی برای مردم ایران گرفتند و این خط را دنبال کردند که قطع این کمک‌ها، امکان دسترسی ایرانی‌ها به اینترنت بدون محدودیت را دچار مشکل می‌کند. واقعیتی که تلاش می‌شود پشت این اظهار نگرانی برای مردم پنهان شود، این است که فاند‌های براندازان بعد از این فرمان، در خطر نابودی قرار گرفته است. از زمانی که این حکم اجرایی شده، رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین از جمله اینترنشنال به این موضوع پرداخته‌اند که اگر بودجه آنها قطع شود باید چه کنند.

برای مثال یکی از تحلیلگران حاضر در یکی از برنامه‌ها به این موضوع اشاره کرد که «متأسفانه آقای ترامپ همیشه همه را با کارهایی که انجام می‌دهد، سورپرایز می‌کند. امید ما باید به آقای مارکو روبیو باشد». تحلیلگران این رسانه حالا و در حالی که بودجه آنها در معرض قطع شدن قرار گرفته، به نقطه صفر برگشته‌اند و دیالوگی که در روزهای بعد از شکست پروژه ۱۴۰۱ بیان می‌کردند را تکرار می‌کنند: «همه اینها به ما ثابت می‌کند خودمان باید دشمن خودمان را از بین ببریم و نمی‌شود روی چیزهای دیگر حساب کرد». این رسانه‌ها درحالی این ادعا را مطرح می‌کنند که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۶ ژانویه ۲۰۲۵ بخش زیادی از بودجه فعالیت آنها را دولت‌های متخلفان آمریکایی تأمین می‌کردند و تقریباً هیچ زمانی بدون بودجه آمریکا به فعالیت‌های ضدایرانی پرداختند.

اشاره‌های مهم سرلشکر سلامی درباره قدرت دفاعی ایران برای مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی

شروع‌کننده جنگ نیستیم اما آماده‌ایم



سوریه به ایران مربوط نمی‌شود، افزود: بهره‌برداری ما از آن سرزمین برای حمایت از جبهه مقاومت بود و مرتبط دانستن تحولات به ضعف ما، خطای محاسباتی دشمنست. ما و جبهه مقاومت ضعیف شده بودیم، چرا دشمن در لبنان متوقف شد؟ چرا در غزه تن به آتش‌بس داد؟ چرا حزب‌الله همچنان قدرتمند است و فلسطین می‌جنگد؟ یمن به‌رغم بمباران‌های مکرر، همچنان می‌غرد و حتی آمریکایی‌ها به بی‌اثر بودن بمباران‌ها اذعان کرده‌اند. این یک‌بن‌بست‌برای‌دشمن‌است. وی درباره تحولات سوریه و تلاش دشمن برای مرتبط کردن آن به ضعف ایران اظهار داشت: ما مسؤول مستقیم دفاع از سوریه نبودیم، بلکه در لحظات سخت برای از بین بردن فتنه داعش و تکفیر کمک کردیم و موفق بودیم. سردار سلامی با تأکید بر اینکه عوامل مرتبط با نظام

سال ۲۰۰۴ کنگره آمریکا قانونی تحت عنوان «حمایت از آزادی ایران» مطرح و سال ۲۰۰۶ تصویب کرد که به موجب آن بودجه‌هایی برای تحقق این آزادی اختصاص می‌داد.

بر مبنای گزارشی که مرکز تحقیقات آمریکا منتشر کرده است، تنها در سال ۲۰۰۴ نزدیک به «۲ میلیون دلار» از این بودجه را برای پیشبرد آنچه آنها تحقق «دموکراسی برای ایران» می‌خواندند، اختصاص دادند. این میزان در سال‌های بعد روندی صعودی به خود گرفت و در ۳،۲۰۰۵ میلیون دلار شد.

سال ۲۰۰۶ این رقم، صعود قابل توجهی پیدا کرد و به ۱۱ میلیون دلار رسید و از سال ۲۰۰۸ بودجه اختصاصی برای ایران به رقم ۶۰ میلیون دلار رسید. این بودجه اختصاصی در سال‌های بعد تا ۴۰ میلیون دلار کاهش پیدا کرد. از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ این رقم در ۳۰ میلیون دلار ثابت باقی ماند. رقم بودجه اختصاصی برای ایران در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۶۸ میلیون دلار رسید.

حالا این بودجه تعلیق خواهد شد، آن هم توسط دولتی که براندازان تصور می‌کردند قرار است از همان روزهای ابتدایی ورودش به کاخ سفید، سیاست فشار حداکثری را علیه ایران کلید بزند. حالا اما به زعم آنها گویی این فشار حداکثری به طور معکوس و روی آنها اعمال شده است. همین موضوع هم باعث شده تا آنها تصور کنند گزینه ترامپ در مواجهه با ایران، نشستن پای میز مذاکره است.

■ **سلطنت‌طلبان خاله‌خوسه تیم برانداز شدند**

اپوزیسیون ایران در مقایسه با پاییز ۱۴۰۱ به‌شدت تحلیل رفته است. قطع بودجه‌ها، ناکامی در جلب حمایت داخل ایران و اختلافات داخلی، این جریان را به مجموعه‌ای پراکنده تبدیل کرده است. در این میان، نقش رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان در تشدید تفرقه غیرقابل‌انکار است. ربع پهلوی از کنفرانس مونیخ اخراج شد، این اتفاق، که به تمسخر او توسط رقبا در ایکس منجر شد، نشان داد اصرار پهلوی بر رهبری خودخوانده، حتی در عرصه بین‌المللی، به انزوای او و حامیانش انجامیده است.

در مارس ۲۰۲۵، برخی چهره‌های نزدیک به پهلوی از اخراج تجزیه‌طلبان از یک نشست اپوزیسیون در لندن حمایت کردند. این اقدام به اعتراض گسترده آنها و اتهام «فاشیسم سلطنتی» به پهلوی منجر شد و شکاف ایدئولوژیک را عمیق‌تر کرد. حتی در میان خود سلطنت‌طلبان، انسجام وجود ندارد. ماجرای اخیر فخرآور و فایل صوتی جعلی، به جدالی داخلی تبدیل شد و نشان داد حامیان پهلوی نیز قادر به حفظ وحدت نیستند. اخیراً امیرعباس فخرآور مدعی شد رضا پهلوی با او تماس گرفته و پیشنهاد همکاری داده است. او فایلی صوتی منتشر کرد که بعداً مشخص شد با هوش مصنوعی ساخته شده است. این اقدام، واکنش تند حامیان پهلوی را برانگیخت و به جدالی علنی در ایکس منجر شد. فخرآور سلطنت‌طلبان را به دروغ‌گویی متهم کرد، در حالی که حامیان پهلوی او را «عامل نفوذی» خواندند.

البته بهترین نکته ماجرای فخرآور، مضحک بودن آن بود به‌گونه‌ای که برخی تصور می‌کردند او در حال اجرای یک استندآپ کمدی است. به هر حال ماجرای فخرآور جدیدترین هنرنمایی سیرک اپوزیسیون با محوریت سلطنت‌طلبان سابق و فعلی بود.

این تقابل‌ها، ظرفیت اپوزیسیون برای اثرگذاری را به صفر رسانده است. می‌توان گفت نقش پهلوی و سلطنت‌طلبان، چه آگاهانه و چه ناخواسته، به نفع ایران و جمهوری اسلامی تمام شده است. آنها با ایجاد شکاف و تضعیف اتحاد، عملاً راه را برای سقوط ایده براندازی و تبدیل شدن آن به یک سیرک هموار کرده‌اند. اپوزیسیون ایران در آوریل ۲۰۲۵ در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار دارد. قطع بودجه‌های دولت ترامپ و تعطیلی USAID، این گروه‌ها را فلج کرده، در حالی که دعواهای داخلی انسجام آنها را نابود کرده است، تا به این ترتیب آینده این جریان، بدون تغییر اساسی در رویکردهای شکست‌خورده پیشین کاملاً تاریک به نظر برسد.

دشمن تصریح کرد: دشمن ما روی زمین گسترده است و همه جا در تیررس ما است. رژیم صهیونیستی مانند سفروهای پهن مقابل ما است. فرمول‌های غلبه بر این دشمن را آموخته‌ایم و آن را در تمام ارکان سلاح و تجهیزات خود وارد کرده‌ایم. نرم‌افزار و سخت‌افزار شکست دادن رژیم را به‌رغم حمایت مطلق آمریکا کاملاً دراختیار داریم.

وی با قاطعیت اعلام کرد: هیچ نگران نیستیم. ما از جنگ ابداً نگران نیستیم. شروع‌کننده جنگ نخواهیم بود اما برای هر جنگی آماده‌ایم. عطش جهاد برای دفاع از کبان، هویت و موجودیت، یک حقیقت در نیروهای مسلح و مردم است. برای هر دو وضعیت عملیات روانی یا اقدام نظامی دشمن آماده‌ایم اما یک گام در مقابل دشمن عقب نخواهیم نشست.

سردار سلامی با تصریح بر این موضوع که به دشمن‌مان دسترسی داریم، بیان کرد: قدرت بزرگی انباشته شده است. اگر دشمن بخواهد دست‌های بسته ما را باز کند تا واقعیت‌قدرت‌مسارلبیندآماده‌ایم.

وی ایران را قدرتی بزرگ با ملت، رهبر، کشور، مکتب، آرمان و قدرت بزرگ توصیف کرد و گفت: ما محاسبات ظاهری و توانمندی‌های مادی دشمن را می‌شناسیم اما در منطق اعتقادی و باطنی، نگاه ما به دشمن همان نگاه قرآنی است که قدرت‌های غیرالهی حتی توان خلق مگسگی را ندارند.

فرمانده کل سپاه با اشاره به آیات قرآن، بر نقش ایمان و سکنیه الهی در پیروزی مؤمنان تأکید کرد و افزود: جامعه ما با تهدید، ایمانش افزوده می‌شود. ما به وعده‌های خدا و نصرت‌های الهی اعتماد داریم و درهای به ظالمان تکیه نخواهیم کرد، چرا که این شرط نصرت الهی لست

سردار سلامی وضعیت جبهه مقاومت را رو به رشد و ارتقا توصیف کرد و گفت: دشمنان از برخورد با آن عاجز است. جبهه مقاومت هنوز تمام استعداد خود را به صحنه نیاورده و برای کنترل دامنه نبرد ملاحظه می‌کند اما اگر قرار باشد دست‌ها باز شود، وسعت و آتش جنگ فراتر از تصور دشمن خواهد بود.